



شصت و نهمین دوره جشنواره فیلم کن در شرایطی شامگاه یکشنبه ۲۲ ماه مه (دوم خرداد) به کار خود پایان داد که از نظر اغلب حاضرین و ناظرین، این جشنواره یکی از خلوت‌ترین و ضعیف‌ترین دوره‌های خود را پشت سر گذارد. بر فرضی جشنواره، آن را از نفس انداخته و برخی دیگر عدم حضور فیلم‌های ی سرس و صدا مانند «می‌صرف‌ها» و «جنگ‌های ستاره‌ای» و «شرک» و... و بازیگران اکشن کاری همچون ژرژلندل شوار تزنگر و سیلوستر استالونه و هریسون فورد و بروس ویلیس و... را مانع از استقبال آجتجانی دانسته بودند. آنها به خاطر می‌آوردند که نمایش فیلم «می‌صرف‌ها» در جشنواره کن دو سال پیش و مانور بازیگرانی مانند استالونه و شوارتزنگر و هریسون فورد و بروس ویلیس بر روی زرمبوش و روی فرش قرمز کن، بیش از خود مراسم اصلی، مخاطب و تماشاگر جذب کرد، چنانچه حاضرین در جشنواره بیش از سالان اصلی آن، در مقابل محل اقامت «می‌صرف‌ها» تجمع کرده بودند.

اگرچه برگزگان کنندگان جشنواره کن اسامی کم مانند هرسال سعی کرده بودند حتی به قیمت زیر علامت سؤال بردن اعتبار هنری جشنواره هم شده، چهره‌های آمریکایی و هالیوودی را به روی فرش قرمز جشنواره کن بکشاند تا هجوم عکاسان و طراحان مد و لباس و در نتیجه حضور فعال شرکت‌ها و موسسات تجاری، هزینه‌های جشنواره را تضمین نمایند. از همین روی از جیم جارموش و وودی آلن و جولیا رابرتز تا پال وروهوف و جسیکا جاستین و مل گیسون را روی فرش قرمز کشاندند و بازار عکس و سر و صدا و مضاه و مانند آن به راه انداختند. اما این افراد به هیچ‌وجه در سطح سوپرستاره‌های سال‌های گذشته این جشنواره نبودند.

در مقابل غیبت همه آن به اصطلاح سوپرستاره‌ها که به قول یبر ریچسبیان (از مسئولان سابق جشنواره کن) اساسا کن و جشنواره‌اش روی شاخ آنها می‌چرخد، مدیران شصت‌ونهمین دوره این جشنواره تنها توانستند مل گیسون را به روی فرش قرمز بیاروند تا در مراسم پایانی نخل طلایی را به کن لوچ بدهند!

سال‌ی که نوبت از بهارش پیداست!
تقریبا از همان روزهای که اسامی هیئت داوران بخش مسابقه اصلی این جشنواره اعلام شد، کیفیت ضعیف حرف‌های برخی از آنها و همچنین ناآشنا یا گمانم بود برخی دیگر و یا بی‌ربطی بعضی دیگر، اساس هنری جشنواره را زیر سؤال برد. شاید چنین ترکیب ضعیف هیئت دآوری بخش رقابتی اصلی جشنواره کن در طول شصت و هشت دوره گذشته آن بی‌سابقه باشد که حتی در میان آنها یک فیلمساز مطرح هنری یا یک نویسنده معتبر و یا یک بازیگر مطرح درجه اول به چشم نخورد!

رئیس هیئت داوران، یک اکشن‌ساز اسرائیلی‌ال‌اصل آمریکایی، جرج میلر که با چند فیلم «مکس دیوانه» و «هپی فیت» در طی سال‌های قبل خود را نشان داده اما چندان تا یادها نمانده بود تا اینکه سال گذشته سر و کلاهش از پیرین فیلم «مکس دیوانه» با عنوان «جاده خشم» دوباره برپا شد و ولی علی‌رغم نام‌زدی‌ها و جوایز متعدد زورکی در اسکار (که به این موضوعها رسید)، حتی به ضرب و زور رسانه‌های آمریکایی هم نتوانست برای خود موقعیتی سینمایی فراهم

«فروشنده» که به نظر اکثر منتقدان حاضر در جشنواره، و معتبر مثل کلینت ایستوود یا استیون اسپیلبرگ و یا برادران کوئن، رئیس هیئت‌های دآوری بودند، گزینه‌ای بسیار نازل و پیش پا افتاده به نظر می‌رسید و نشان می‌داد که بقیه اعضای این هیئت دآوری نیز از اعتبار چندانی در عالم سینما برخوردار نیستند. چنانچه اعلام اسامی سایر اعضای هیئت داوران بخش مسابقه اصلی، حدس فوق را تأیید کرد.

یک کارگردان نه چندان شناخته شده فرانسوی به نام «ژنود دسلیپین» که با فیلم‌های مچوچی همچون «قصه کریسمس» و «زندگی سکسی من» در زمره فیلمسازان فرانسوی قرار گرفته!

یک هنرپیشه زن ایتالیایی به نام «والریا گولینو» که از میان فیلم‌هایی که بازی کرده تنها فیلم «برین من» ساخته بری لویسون در سال ۱۹۸۸ قابل ذکر است که در یک نقش کوتاه ظاهر شده، اگرچه نقش‌های جزیی هم در فیلم‌هایی مانند «چهار اتاق» (روبرتو روبرگر) و «فریدا» (جولی تیمور) هم داشته است.

یک هنرپیشه درجه سه آمریکایی به نام «کریستین دانست» که لوچ بازیگریش در چند فیلم «هرد عنکبوتی» بوده!

یک هنرپیشه درجه سه آمریکایی دیگر به نام «هنز میکلسن» که در فیلم‌هایی مانند «کارینو رویال» نقش فرعی داشته و تنها در یک فیلم «شکار» توماس وینتربرگ، نقش اول، شخصیت یک مربی کودکان که مورد سوطن قرار می‌گیرد را بازی می‌کرد.

– لائو نمس فیلمساز تازه کاری که با فیلم هولوکاستی «پسر شاول» مطرح شد.

دالالد سالتزلد، یک هنرپیشه از رده خارج آمریکایی، که مدل و رفاصه فرانسوی به نام «فونسا راداریو» – و بالاخره یک واسطه و دلال ارائه برخی فیلم‌های ایرانی به جشنواره‌های خارجی به نام «کتایون شهابی».

یعنی سسه کارگردان (دو اکشن‌ساز، یک ناشناخته و یک تازه کار)، سه بازیگر (دو آمریکایی و یک ایتالیایی)، یک مدل و خواننده گمانم فرانسوی و یک دلال و توزیع‌کننده فیلم‌های سینما، کلیت ماهیت هیئت دآوری اصلی جشنواره کن اسامی بود.

شاید به همین دلیل بود فیلم لیوئه آسیایی به نام «خبردار شخمی» که از سوی تماشاگران و حاضرین در

سالن نمایش، به نحو تحقیرکننده‌ای هو شده. جایزه بهترین کارگردانی را گرفت! فیلم «فاجعا تحت ندیاست» ساخته خاویر لولان که از سوی منتقدان بی‌ارزش ارزیابی شده بود، جایزه بزرگ هیئت داوران (که دومین جایزه مهم جشنواره کن پس از نخل طلا محسوب می‌شود) را برنده شد و فیلم «اینجاب، لدابل بلیک» که تکرار مکررات کن لوچ بود، چندان هم مورد استقبال منتقدان و کارشناسان واقع نشد (از همین روی هم در پیش‌بینی کمتر کارشناسی موفقیات آن در نظر گرفته می‌شد) نخل طلایی را دریافت نمود! همچنین فیلم

نگاهی به شصت و نهمین جشنواره فیلم کن

داوران ضعیف + فیلم‌های سفارشی + پول‌های امیر قطر = جشنواره کن ۲۰۱۶

سعید مستغانی

هالیوودی» پنبه همه فیلم‌هایی که برای جشنواره‌های اروپایی مثل کن می‌فرستند را زده بود!امجاری فیلمساز اسکار گرفته‌ای که پس از مدت‌ها موفق می‌شد پروژه‌ای را برای کار به دست بگیرد منتها از شوک ذوق‌زدگی، دچار نابینایی می‌شود. اما برای از دست ندادن کارش، کوری خود را پنهان کرده و در همان حالت نابینایی، فیلم را کارگردانی می‌کند که حاصل، صحنه‌های مضحکی از کار درمی‌آید مانند آنکه مقابل لنز دوربین ایستاده و دستور حرکت می‌دهد، با هنگام کارگردانی از بلندی سقوط می‌کند و یا، فیلم او را که در هالیوود می‌بینند، دیوانه خطابش می‌کنند. در نتیجه فیلم



شرم تاریخی را با اهدای جایزه‌ای به نام «نخل طلای نخل طلاها» به اینگمار برگمان جبران کرده و سیاهی آن را از چهره جشنواره کن پاک کنند اما برگمان نپذیرفت و عطای کن‌نشینان را به لاقایش بخشید!

هیچ قبلی هوا نشد!

برخلاف اغلب دوره‌های قبل که معمولا جشنواره کن یک سورپرایزیرا ارائه نموده و به طور معلوف قبلی هوا می‌کرد، اما اسامال چنین اتفاقی نیفتاد. مصافا که به اعتراف بسیاری از شرکت‌کنندگان در این جشنواره، در مجموع، فیلم‌های اسامال از کیفیت متوسطی برخوردار بوده و حتی آثار فیلمسازان شناخته شده هم به هیچ‌وجه در سطح کیفی فیلم‌های قبلی آنها نبودند.

فی‌المثل اغلب تماشاگران و منتقدان، فیلم افتتاحیه یعنی «کافه سوسایتی» وودی آلن (فیلمساز که دیگر به سرفقلی جشنواره تبدیل شده و همیشه هم در بخش خارج از مسابقه حضور دارد) که به عنوان یکی از برگ‌های برنده جشنواره اسامال در مراسم افتتاحیه اکران شد را نپسندیدند. بیشتر تفدها کلیات از آن دانشت که فیلم وودی آلن این سیستم می‌نمساند، نخل طلا اعطاء کرده و به قول یکی از منتقدین، این شرم تاریخی همواره بر جبین جشنواره کن که

رایت کرده به طوریکه حتی یک ساعت هم فراتر نرفته و پس از پایان آن به هیچ‌وجه فیلمی ولو قوی‌ترین اثر تاریخ سینما هم نمی‌پذیرفتند و یا پذیرش فیلم‌ها براساس دریافت نسخه کامل آنها بوده که حتی در مورد کمترین و ساده‌ترین امور فنی یک فیلم هم اغماض نشده و آن فیلم اساسا مورد بازبینی قرار نمی‌گرفت. برخلاف جشنواره فیلم فجر که مثلا فیلم‌ها تا زمان نمایش در روزهای پایانی هم پذیرفته شده و بارها جدول آثار بخش مسابقه جابه جا می‌گردد و یا فیلمی تنها یا یکی دو سکانس یا به صورت نسخه بدون صدا و یا حتی به صورت راف کات به نظر هیئت انتخاب رسیده و برای بخش اصلی پذیرفته می‌شود!

اما گویا جشنواره‌هایی همچون کن هم علی‌رغم تمامی سسر و شاره‌های شداد و غاظ، چندان با جشنواره فیلم فجر خودمان تفاوتی ندارد و آنگاه که پای سفارشن و پارتی بازی به میان بیاید، همه قواعد و قوانین و ضوابط به سهولت شکسته می‌شود!

از همین‌ روی اکثر همین فیلم‌های سفارشی وارد بخش‌های رقابتی و اصلی جشنواره شده و اغلب جوازی هم دریافت کردند. همچون «هوه» ساخته پال وروهوف، «دختر ناشناس» به کارگردانی برادران لاردن، «فازغ‌التحصیلی» ساخته کریستین مونچویو که همان موضوع روابط پنهانی و تعرضات جنسی را دستمایه خود قرار داده بودند و فیلم «فازغ‌التحصیلی» جایزه بهترین کارگردانی را به دست آورد یا آثاری همچون «سگ‌ها» از بوگدان فلویران میریکا، «اهب» ساخته هدی بن یامینا، «بیگانه» ساخته واجه بلوگوریان که موضوع تحقیر هویت ملت‌های شرق و سنن و آیین و باورها و ارزش‌های آنان را در برابر برتری و فرهنگ و هویت غربی زمینه داستان‌پردازی خود کرده بودند.

کنه تکررتی‌رآور آنکه هر ۷ فیلمی که با سرمایه‌های حدود ۵ میلیاردی (برای هر کدام) از سوی «انستیتو فیلم دوچه» ساخته شدند، جایزه دریافت کرده یا مورد تجلیل و تقدیر قرار گرفتند!

یعنی علاوه بر فیلم «فروشنده» که دو جایزه بهترین فیلمساز و بهترین بازیگر مرد بخش مسابقه را گرفت و فیلم سنگاپوری «شاکرده» که نامزد دریافت جایزه بخش نوعی نگاه بود، فیلم «سگ‌ها» از رومانی جایزه فدراسیون بین‌المللی منتقدان (فیپرشی) را گرفت، فیلم فرانسوی «راهب»، جایزه اول بخش نوعی نگاه یعنی دوربین طلایی را دریافت نمود، جایزه بزرگ هفته منتقدان به فیلم «میموساس» از مراکش و اسپانیا رسید، جایزه SACD به فیلم کامیوجی/ فرانسوی «سرزمین آلماس» اختصاص یافت و فیلم لبنانی فرانسوی «بیگانه» هم جایزه بزرگ ریل را از آن خود کرد.

و برای هر یک از این موفقیت‌ها، المرحمی (نماینده انستیتو فیلم دوچه و خاندان امیر قطر) در کنار عوامل فیلم‌های یاد شده، بروزی فرش قرمز رفته و چپ و راست عکس انداخت!

شاید سرازیر شدن اغلب جوایز جشنواره کن، تا این حد به صورت گل درشت و غلوازمی به طرف فیلم‌های سفارشی سرازیر نشده بود. شاید چنین امری در طول تاریخ جشنواره‌ها بی‌سابقه باشد که مدیران آن، همه سابقه و اعتبار هفتاد ساله خود را برای پول اعراب قطری و سعودی زیر پای گذارده و جشنواره و جوایز خود را درست در اختیار آنان بگذارند!

نگاهی به کتاب «مبانی قرآنی اندیشه‌های سیاسی امام‌خمینی(ره)» به قلم سیدرضا فقیهی

سیاستی جدا نشدنی از کلام وحی

بگیرد و امور را به طرف آن چه صلاح است، صلاح ملت و صلاح افراد است هدایت کند و

این مختص انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند.

... این سیاست‌شناسان سیاست است، دانات همان سیاسی است که مردم را از این‌جا حرکت می‌دهد و تمام چیزهایی که به صلاح ملت است و به صلاح مردم است آنها را از این راه می‌برد...

در مجموع تلقی امام از سیاست به‌گونه‌ای است که دیندار واقعی را گریز از آن ممکن نیست، چراکه حقیقت سیاست چیزی جز هدایت نیست و جوهره همه احکام دینی با هدایت عجین است.

اندیشه امام در سیاست خارجی

اساساً هر دولتی داده‌های سیاست خارجی خود را در چتهی تنظیم می‌نماید که سرانجام خواست‌ها و نیازهای امنیتی، استراتژیک، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی‌اش در کوتاه مدت یا بلند مدت تأمین نشود؛ به عبارت دیگر سیاست خارجی، بازتاب اهداف و سیاست‌های یک دولت در صحنه روابط بین‌الملل در ارتباط با دیگر دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی، شخصیت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی است. سیاست خارجی را که امام خمینی طراحی نموده و به صورت قوانین موضوعه، تدوین و سعی در اجرای آن شد را می‌توان به منزله یکی از منابع رسمی تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی ایران به حساب آورد؛ به‌گونه‌ای که حتی رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها بیان داشته‌اند که خط کلی در سیاست جمهوری اسلامی ایران، همان خطی است که امام‌خمینی(ره) تبیین و توسعه نموده‌اند.

امام می‌فرماید:

... وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمان‌های بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها و در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند... و از هر امری که شأنه وابستگی با خواهی ابعدی که دارد و به طور قاطع احتراز نمایند و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هر چند ممکن است ظاهر فریبده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خاوند با شماست. تمام کشورها اگر احترام ما را حفظ کنند ما هم احترام متقابل را حفظ خواهیم کرد و اگر کشورها و

■ ■ ■

*** امام‌خمینی متفکری بود که بر حوزه‌های مختلف علمی اشراف داشت و همین ویژگی‌ها از وی شخصیتی یگانه ساخته بود.**

*** امام ریشه‌های آسیب به استقلال را فکری، فرهنگی ارزیابی نموده و بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبران را وابستگی فکری و درونی می‌دانستند.**

*** تلقی امام از سیاست به گونه‌ای است که دیندار واقعی را گریز از آن ممکن نیست، چرا که حقیقت سیاست چیزی جز هدایت نیست و جوهره همه احکام دینی با هدایت عجین است.**

■ ■ ■

دولت‌ها بخواهند به ما تحمیل بکنند از آنها قبول نخواهیم کرد. نه ظلم به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم. روابط ما با آمریکا و همچنین با سایر کشورهای جهان براساس احترام متقابل خواهد بود... حضرت امام در موارد متعدد به این مسئله (روابط حسنه و متقابل) در سیاست خارجی اشاره کرده‌اند. وقتی خبرنگار مجله آمریکایی تامز از ایشان سؤال می‌کند: در جمهوری اسلامی به طور کلی سیاست خارجی شما چگونه خواهد بود؟ امام در جواب می‌فرماید: «جمهوری اسلامی با تمام ممالک روابط حسنه دارد و احترام متقابل قائل است، در صورتی که آنها هم احترام متقابل قائل شوند.»

جریان‌های سیاسی برای پیشبرد اهداف خود اغلب از امام مایه



می‌گذارند و خود را پیرو امام می‌دانند. نسل جدید که امام را ندیده چگونه می‌تواند بفهمد که کدام یک به راستی پیرو خط امام هستند؟

حجت‌الاسلام فقیهی در پاسخ به این سؤال می‌گوید: سخنان حضرت امام خیلی روشن و واضح بیان شده است؛ ایات قرآن هم واضح و روشن است، اگر واقعا کسی بخواهد بفهمد که کدام جریان و افکار را امام را می‌روند می‌تواند عملکرد آن را براساس مطالب روشن و روان این کتاب ارزیابی کند. این کتاب می‌تواند شواخصی باشد که نشان دهد کدام یک از جریان‌های سیاسی دارند خط امام را دنبال می‌کنند. به عنوان مثال، امام درمورد حفظ استقلال حساسیت بالایی داشتند مبنی بر این که ما باید روی پای خودمان بایستیم و وابسته نباشیم.

استقلال (نفی سبیل)

یکی از اندیشه‌های سیاسی امام تأکید بر «استقلال» در سیاست خارجی است، با حفظ استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و عزت کشور از آسیب‌های احتمالی مصون می‌ماند. این اصل گاهی تحت عنوان «نه شرقی نه غربی» و در اصطلاح دینی به عنوان «نفی سبیل» مطرح می‌شود.

گرچه در نگاه اول، استقلال سیاسی با اهمیت به نظر می‌رسد اما از دیدگاه امام استقلال فرهنگی مهتر از آن است. امام ریشه‌های آسیب به استقلال را فکری، فرهنگی ارزیابی نموده و بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبران را وابستگی فکری و درونی می‌دانستند که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد. برای دست‌یابی به استقلال باید به خودباوری فکری و خودیابی دست یافت، امام در این‌باره می‌فرماید:

... اساس، باور این دو مطلب است که باور ضعف و ناتوانی و باور قدرت و قوه توانایی. اگر ملت این باور را داشته باشد که ما می‌توانیم در مقابل قدرت‌های بزرگ بایستیم، این باور اسباب این می‌شود که توانایی پیدا می‌کنند و در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادگی می‌کنند.

حجت‌الاسلام فقیهی درمورد بازخورد این کتاب می‌گوید:

پیشنهادهای شده است این کتاب به عنوان واحد درسی در بعضی از دانشگاه‌ها تدریس شود. عده‌ای از بزرگان هم توصیه کرده‌اند که کتاب به زبان‌های عربی و انگلیسی ترجمه شود تا در کشورهای عرب زبان و انگلیسی زبان مسلمانان با اندیشه‌های سیاسی حضرت امام آشنا شوند؛ از این‌رو اکنون در دست ترجمه است.

نگارنده در ادامه اضافه می‌کند که کتاب بعضی‌اش مبانی قرآنی اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری است که در دست تألیف است. کتاب «مبانی اندیشه‌های سیاسی امام‌خمینی(ره)» در ۴ بخش (پنج فصل) در ۳۲۸ صفحه منتشر شده است. مبانی قرآنی اندیشه‌های سیاسی امام، مبانی قرآنی انسان‌شناسی، مبانی قرآنی راهمناشناسی، مبانی قرآنی حکومت اسلامی، جایگاه حقوق و وظایف مردم در نظام اسلامی، مبانی قرآنی سیاست خارجی... و از سر فصل‌های کتاب به شمار می‌آیند. کتاب حاضر را انتشارات زمزم هدایت(قم) منتشر کرده است.



وی در ادامه می‌افزاید: امروز دنیای اسلام بیدار شده و درپی راه نجات است، ولی با اندیشه‌ها و افکار امام آشنا نیست؛ همه نام امام را شنیده‌اند ولی نظام سلطه مجال معرفی صحیح امام را به آنها نمی‌دهد، چون با تمام قدرت برای تخریب وجهه ایشان تبلیغ می‌کنند. نظام سلطه تلاش می‌کند بر این موج بیداری سوار شود و تا حدودی هم موفق شده است؛ زیرا مسلمانان جهان الگوی سیاسی قرآن را نمی‌شناسند. عده‌ای در تلاشند تا این اندیشه‌ها را بیگانه از اسلام و قرآن معرفی کنند و برای جاذ کردن اهل سنت که یک مبیایار و نیم چپ‌اند جهان را تشکیل می‌دهند، تلاش می‌کنند که این تفکر را تفکر خاص میثاری معرفی کنند؛ گویا تفکر شیعی از اسلام جدا است.

این کتاب درپی تبیین رابطه اندیشه‌های سیاسی امام آ با یات قرآن و پاسخ‌گویی به این